

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فلسفه دوازدهم - درس ۵ - خدا در فلسفه

مسئله خدا در فلسفه ← جریان بحث ← از ابتدای شکل گیری فلسفه و تفکر فلسفی  
← در صدر مسائل مورد بررسی فیلسوفان

دیدگاه فیلسوفان در مورد خدا  
۱- حکمای ایران باستان  
← تزارشات نظریه  
← اسطوره ای و نمادین است  
← مدون و مکتوب نیست  
← بسیار مختصر است

شناخت روشنی از خدا داشته اند

خدا را نور حقیقی می دانسته اند

خلقت و ظهور موجودات در پرتو اشراق آن نور می دانسته اند



نقشین پرتو مخلوق مجرد ← بهمن

پس ← آنان چون را مخلوق خداوندی حکیم می دانسته اند

۲- حکمای یونان باستان

معتقد به خدایان متعدد

هر خدا را مبدأ و منشاء یک حقیقت دانسته اند

← زئوس ← خدای آسمان و باران

← آپولون ← خدای خورشید هنر و موسیقی

← آرتمیس ← خدای عفت و خورشید داری

← انکار خدایان ← مرگ بود

← موجب

اعتقادشان به خدایان ← عمیق بود

← همراهی با مردم

← توهین به خدایان ← جرم بود و مجازات داشت

← جرم سقراط که منجر به مرگ او شد ← انکار خدایان و سخن گفتن از خدای جدید

تیلور ← افلاطون ابداع کننده خدانشناسی فلسفی ← به دلیل آوردن استدلال برای خدا و اصلاح پندارها در مورد خدا

در عصر سقراط، افلاطون ← مردم

وارسطو

عمکرد حاکمان ← همراهی با مردم

← توهین به خدایان ← جرم بود و مجازات داشت

← جرم سقراط که منجر به مرگ او شد ← انکار خدایان و سخن گفتن از خدای جدید

تیلور ← افلاطون ابداع کننده خدانشناسی فلسفی ← به دلیل آوردن استدلال برای خدا و اصلاح پندارها در مورد خدا

- ۱ - ابداع خداشناسی فلسفی است
- ۲ - خدای افلاطون معین با ویژگی‌های روشن است
- ۳ - چندخدایی ← با خلقت آگاهانه معنا ندارد
- ۴ - چندخدایی ← شکل دیگر کفر و چندخدایی

خدا

- هستی بی‌سبب ثابت
- زاده شدن - از میان رفتن - چیزی به خود راه دادن - در چیزی فرو رفتن - دیده شدن از طریق حواس ← در او راه ندارد
- راه دسترسی و بهره‌مندی از او ← تعقل و تفکر

ارسطو ← آرای‌کننده‌ی برهان‌های عقلی بر وجود خدا و سبب نه‌تسین

← به دلیل بهره‌مندی از قدرت استدلال و منطق قوی

← استدلال‌های او ← قدم‌های اولیه بود و دارای استحکام و زمینه‌ساز قدم‌های بعدی

← یک استدلال در جهان خوب‌تر و بهتر وجود دارد

از او ← هر جا خوب‌تر هست ← خوب‌ترین هم هست

پس ← یک خوب‌ترین و بهترین موجود در عالم وجود دارد ← خدا

نمونه‌ای دیگر ← در جهان نظم و انتظام حاکم است

← نظم بیرون وجود موجودی جاودان و بی‌تر از ماده امکان ندارد

پس ← یک موجود جاودان و بی‌تر از ماده وجود دارد.

توصیفات ارسطو در مورد خدا ← شریف‌ترین موجود

← خیر - جمال - زیبایی

← ضرورتاً موجود ← واجب الوجود بالذات

← یک غیر متحرک

← دارای حیات

← ارسطو هم موجودات تغییرماری را قبول دارد و یکی از آنها را بی‌تر از همه و سبب همه امور تلقی می‌کند

← تغییرناپذیر

← عالی‌ترین اندیشه

← کمال بالذات

← ارسطو قوی‌ترین بزرگ در خداشناسی فلسفی برداشته است

← فعلیت تام

نظر فیلسوفان دوره جدید اروپا در مورد خدا

۱- دکارت ← فیلسوف عقل گرا است ← قرن ۱۷

استدلال او برای اثبات وجود خدا  
ت من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر و خالق تصور دارم  
تصور یک موجود نامتناهی نمی تواند از خودم باشد چون من <sup>هشتم</sup> متناهی هستم  
نتیجه ← پس باید یک موجود نامتناهی باشد تا این تصور و ادراک  
رایه من برود

۲- دیوید هیوم ← فیلسوف تجربه گرا ← قرن ۱۸

دلایل گذشته گمان در مورد خدا و نظر دکارت قابل نقد هستند  
دلایل صرفاً عقلی مردودند ← عقل مستقل از حس و تجربه ادراکی ندارد  
مهمترین برهان خداشناسی ← برهان نظم است ← از تجربه گرفته شده

توانایی اثبات خدایه عنوان وجود ابدی و ازلی را ندارد  
توانایی اثبات خالق و واجب الوجود بالذات را ندارد  
فقط به یک ناظم و مدیر برای عالم می رسد

۳- کانت ← فیلسوف عقل گرای آلمانی ← قرن ۱۸

اثبات ضرورت وجود خدا از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی

مقدمات استدلال به ترتیب

۱ ← زندگی اجتماعی بدون اخلاق امکان ندارد  
لے موجب هیچ مرجع شده متلاشی می شود

۲ ← اخلاق و مسئولیت پذیری بدون اختیار معنی ندارد

۳ ← اختیار و اثرگی بدن مادی نیست ← بلکه ویژگی غیر مادی

۴ ← اختیار و اثرگی روح و نفس مجرد از ماده است و خدایا پذیرا است

۵ ← چون نفس سعادتش در کسب فضیلت و اخلاق

۶ ← نفس مجرد برای سعادت دائمی به جهان ماوراء طبیعت نیاز دارد

۷ ← وجود جهان نامتناهی مشروط به خدای جاودان و نامتناهی است

زندگی اجتماعی

↓  
اخلاق

↓  
اختیار

↓  
روح و نفس

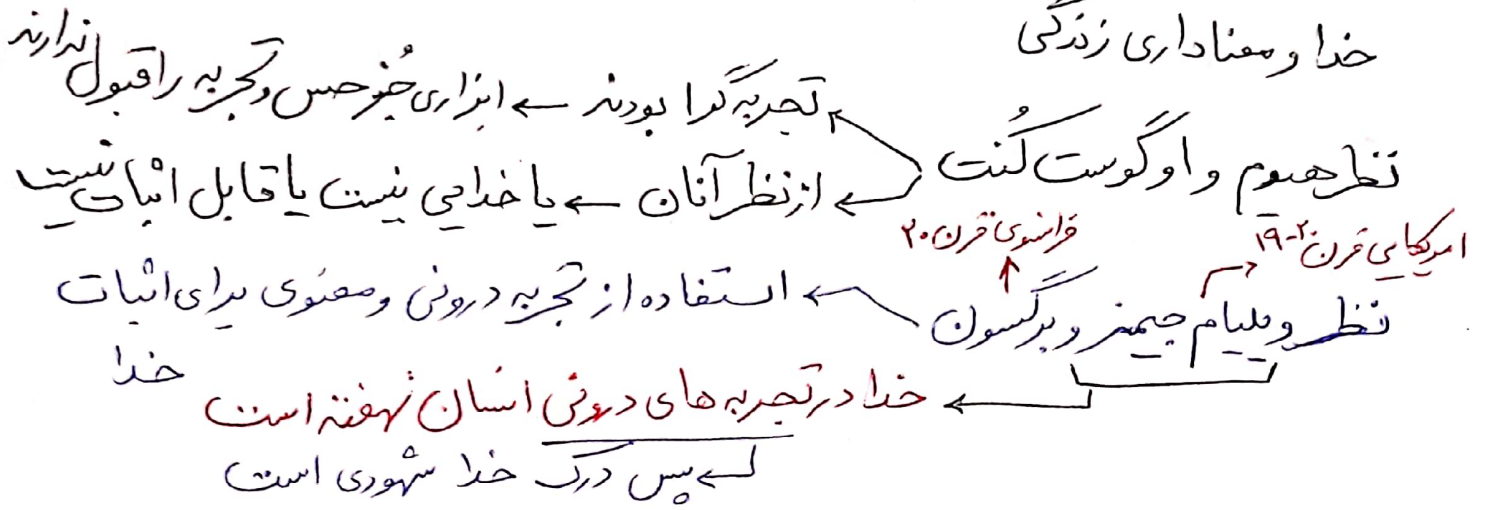
↓  
جهان غیر مادی

↓  
خدا

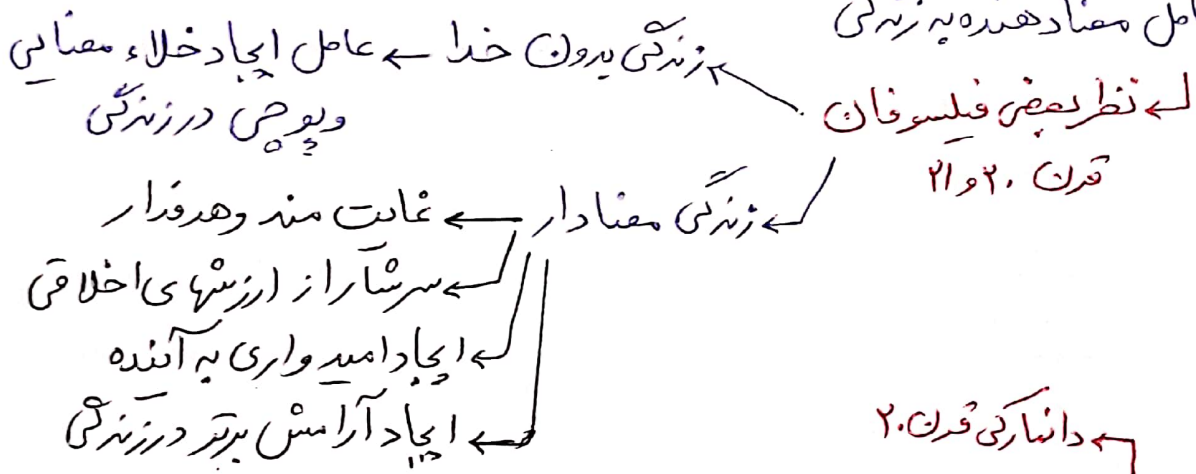
خدا نیازمند عمل اخلاقی و مسئولیت پذیری ممکن نیست



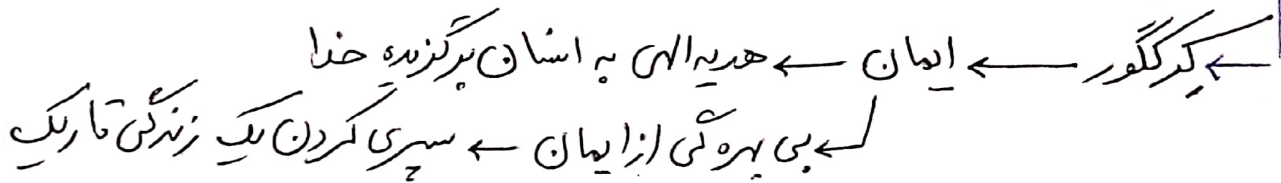
### خدا و معناداری زندگی



### خدا ← عامل معنادهنده به زندگی



دانشگاهی قرن ۲۰



کایتینگ هام ← قبول خداوند ← باز ارزش شدن زندگی

امید دادن به انسان  
رسیدن به قلمین و پناهگاه

به جای به هدفی و بی اهمیت داشتن امور

سیر نزولی استدلال عقلی و فلسفی برای

خدا در اروپا

عوامل ← حرکت فیلسوفان سمت معرفی خدا به عنوان

عوامل اصلی معنا بخش به زندگی